

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

نام کتاب رساله در جفر (بیاض)
مؤلف متن زین الدین جعفر زاهدی محشی
شارح .... مترجم ....
تاریخ تحریر .... نوع خط نستعلیق تعداد سطر ۱۳
جزء کتب علوم غریبه زبان فارسی عدد اوراق ۱۵
طول ۱۶ عرض ۱۰ شماره عمومی ۲۵۵۸۹
وقفی / خریداری تاریخ .... وقف / خریداری
ملاحظات ۱۴ برگ سوا آن نسخه در ادعیه و علوم غریبه ضمیمه می باشد.
۴۴ برگ سفید و نانوشته در وسط نسخه وجود دارد

اندازه نوشته: ۹،۵×۷،۵

۲۵

مجموعة ادعیه وجفریه وادبیه — فارسی و عربی

موضوع: ادبیات، ادعیه، علوم غریبه

مؤلف: زین الدین جعفر بن محمود بروجردی زاهدی

آغاز: بشر عفیف شوکتمدار ارجمند اسعد عالی بر ساند امید دارات

انجام: تو ای زاهدی از غریبی چنالی که نالیدنت را جزائی ندیدم

نستعلیق خط ۱۶×۱۰ برگ (۷۲)

این مجموعة مشتمل است بر نامه‌ها و دعای کمات، نماز زیارت وادعیه و مقدمه رسالة الجفریه، و صورت عقد نامچه، وقف نامچه، اشعار

خط نسخ و نستعلیق کاغذ کاهی گل‌دار جلد چرمی بیاض بغلی

کاتب: زین الدین جعفر زاهدی عنوالمظفر (۱۳۴۱) هجری

ر... صلاح وسلام السکه برملا ... صفحه معلوم ... طرف آن ... نظر ...
خروج ... که حد نظر که ... در حالت ... ن وکمال الدین
... بقای عمر و شعور که ... وجمع ... ورنانه ...
... صحیح ... اسلامیه ... مکرر ... حوالی ... متعلق ...



کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

نام کتاب: رساله در جفر (بیاض)

مؤلف متن: زین الدین جعفر زاهدی — محشی:

شارح: — مترجم:

تاریخ تحریر: — نوع خط: شکسته نستعلیق — تعداد سطر: ۱۳

جزء کتب: علوم غریبه — زبان: فارسی — عدد اوراق: ۱۵

طول: ۱۶ — عرض: ۱۰ — شماره عمومی: ۲۵۵۸۹

وقفی / خریداری — تاریخ: — وقف / خریداری

مجموعهٔ ادعیه جفریه و ادبیه — فارسی و عربی

موضوع: ادبیات، ادعیه، علوم غریبه

مؤلف: زین الدین جعفر بن محمود بروجردی زاهدی

آغاز: بشر نعمت‌ش و کتمه الجمد اسعد عالی میرساند امید دارات

انجام: ندای زاهدی از غریبی چنالی که نادیده اجزائی ندیدیم

قطع: ۱۶×۱۰ — برگ (۷۲)

این مجموعه مشتمل است بر نامه‌ها و دعای کمات، نماز، زیارت و ادعیه و مقدمه رسالة الجفریه، و صورت عقدنامچه، وقف نامچه، اشعار

خط: نسخ و نستعلیق — کاغذ: کاهی و کرمی — جلد: چرمی بی‌بافر (؟)

کاتب: زین الدین جعفر زاهدی، هم المظفر (۱۳۴۱) هجری

ان حکیمی ز نجم‌ها [illegible]

یکی عارفان ز غیرت تدلیس

منفعل آتش خجلتش زبان انگیخت

الحمد لله الذی هو [illegible] صبح عقد [illegible] المزین باجنحة طاوس
الملک بالخضراء والحمراء المؤلف بلطفه بین قلوب الرجال والنساء وجاعل
ذلک سنة نبیه وقایة عن متابعة النفس والهوی وصلی الله علی محمد وآله الهداة
غرض از صورت نگاری این دیباچه دلکش و مرغوب [illegible] و مدعا از جلوه‌گری
عذرای این صفحه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] واقع که بین فلان و فلانه [illegible]

صورت [illegible]

غرض از تحریر این کلمات [illegible] الدلالات [illegible]
و [illegible] این صفحه معلوم [illegible]
[illegible] در حالت صحت بدن و کمال العقل
و بقای عمر و شعور [illegible]
[illegible]

مقام منیع سپهسالار اعظم [illegible] دامت شوکته [illegible] عنایات ملوکانه بمقتضای

حقوق [illegible] لازمه [illegible] بذل توجهات مخصوصه در حوزه [illegible] و رفع [illegible]

[illegible] حضرت

[illegible] وجود مبارک [illegible] از حسن [illegible]

[illegible] رضایت [illegible]

[illegible] اعتماد [illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

دارم که [illegible]

[illegible]

[illegible] مبارک [illegible]

مقام منیع [illegible] حضرت اشرف [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت اشرف [illegible]

[illegible] توجهات مخصوصه

[illegible]

[illegible] توجهات [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

و بعد [illegible] ... ثواب [illegible] و الدنيا [illegible]

[illegible] ... الله [illegible] ...

[illegible] ... حضرت [illegible] الله [illegible] ...

[illegible] ... و [illegible] ...

[illegible] ... [illegible] ...

درویش [illegible] ... [illegible] ...

[illegible] ... حضرت [illegible] ... مثل الذين ينفقون اموالهم في سبيل الله

[illegible] ... من جاء بالحسنة فله عشر امثالها ... ان احسنتم احسنتم لانفسكم [illegible] ...

[illegible] ... يوم لا ينفع مال ولا بنون [illegible] ...

فمن يعمل مثقال ذرة خيرا يره [illegible] ...

[illegible] ... [illegible] ...

[illegible] ... والله اعلم [illegible] ...

[illegible] ... [illegible] ...

[illegible] ... [illegible] ...

[illegible] ... [illegible] ...

[illegible] ... [illegible] ...

[illegible] ...

تحریر فی یوم [illegible] شهر شعبان المعظم سنه ١٣٤١

بسم الله الرحمن الرحیم [illegible] ...

[illegible] ...

کفنج بسم الله الرحمن الرحیم [illegible] ...

بحق حسن و حسین و رضا بحق شهیدان کربلا

اولیا [illegible] ...

کفنج از دم اخوند ملا محمد شمشاد

تحریر فی غره شهر صفر المظفر ١٣٤١

کفنج

هو

بسم الله الرحمن الرحیم

این رساله ایست در علم جفر و مبادی آن که بنده حقیر معظر زین الدین جعفر بن محمود ملقب به زاهدی از آثار افادات اساتید فنی فراهم آورده بعنوان یادبود برشته تحریر کشید تا هر کس که از آن بهره‌مند گردد کاتب را بدعای خیر یاد نماید:

تعریف: جفر در لغت بمعنای چاه وسیع پر آب، بره گوسفند، گوساله، شتر بچه کوچک آمده است، و در اصطلاح عبارت است از علم اجمالی یافتن بواسطه اسرار حروف هجی بر نقوش لوح قضا و قدر الهی که محتویست بر صور تمام کائنات کلی و جزئی، و اطلاع یافتن بر حوادث آینده تا روز قیامت

برخی از ارباب فن گویند: جفر عبارت است از لوح قضا و عالم جبروت که آن را عقل کلی نامیده‌اند، و جامعه عبارت است از لوح قدر و عالم ملکوت که آن را نفس کلی مینامند:

گروهی گویند: جفر در لغت بمعنای چاه زلال روشنی است که آب آن بکشیدن تیره و خشک نشود و در اصطلاح ارباب کشف جفر بحاری است که از ینابیع فیض واهب الخیر والجود منفجر گردیده، در قلوب اصحاب سیر و سلوک و ضمیر صاحبان عهد و شهود جریان یافته تا ایشان را بر ترتیب رموز کائنات، و کیفیت صدور ممکنات، و اسرار عالم اسماء و صفات، و تسخیر بعضی از موجودات بصیرتی حاصل شود:

این علم را از اقسام سیمیا دانند و آن را بچند نام (جفر، تکسیر، بسط، حروف، اسرار، جامعه) خوانند، و آن را با بواب و فصولی تقسیم کنند، این فن دارای انواع و ضروبی است از قبیل جفر جامع، جفر کبیر، جفر صغیر، جفر جابر ابن حیان، جفر محی الدین عرب، جفر محمود دهدار، جفر سید هاشم بحرانی، جفر سید حسین اخلاطی، جفر صدیقی نوری، و غیر اینها

نتیجه و غرض: علم جفر را برای دو منظور تحصیل نموده بکار میبرند:

١- استخراج احکام، و اطلاع بر حوادث آینده و
استکشاف ضمائر و خبایا و دفائن و کنوز و استدراک احوال غیر [illegible]

٢- تسخیر مطلوب، خواه آن مطلوب ذی روح باشد یا
بی روح، سفلی باشد یا علوی، مانند تسخیر ملائکه و کواکب
یا سلاطین و امراء، یا اغنیاء و سایر طبقات مردم.

تاریخچه جفر: گویند که از چهار هزار سال قبل از میلاد
علم جفر میان مرتاضان سرزمین هند و حکیمان یونان از قبیل اکسیوفانس [illegible]
فیثاغورس، افلاطون رواج داشته، و افرادی از زهاد و اقیان
و صوفیان بتعلیم و تعلم آن سرگرم بوده اند، ولی آن را از مردم
متعارف کتمان مینمودند، زیرا تعلیم این فن را باشخاص [illegible] روا
نمیدانستند، چنانکه در وصایای اساتید این علم شریف نگاشته اند:
تعلیم این فن بر نااهلان چون تیغ دادن بدست دشمنان است.

مرتاضان هند علم جفر را جزء ریاضیات قرار داده،
حروف سؤال را بترکیب عددی بسط میدادند، تا در نتیجه مستحضر
و مستحصله آنرا دریابند و بر مطلوب مطلع گردند.

حکیمان یونان و پیروان افلاطون از راه ترکیب حروفی
وارد کار شده حروف سؤال را بروش اساس و نظیره بسط میداده اند
تا آنکه مستحضر و مستحصله را یافته، وجواب را دریابند.

شمس الدین آملی در نفائس الفنون گوید: رموز این علم
بر صحیفه آهو ثبت شده و در غار حراء مدفون بود، جبرئیل امین
حضرت رسول را از آن خبر داد، پیغمبر اکرم آن صحیفه را
برگرفته و در مقام کشف و استخراج مطالب آن بود، تا در
شب معراج اسرار آن بر حضرتش آشکار گشت. پس حضرت
رسول امیر مؤمنان علی علیه السلام را بر اسرار آن واقف نمود
و آن صحیفه را بدو سپرد و پس از وی باولاد طاهرین او انتقال

یافت وایشان بآنهائی که صلاح میدانستند تعلیم فرمودند
محمد بن طلحه نصیبی گوید: جفر و جامعه دو کتاب نفیس و
جلیلی بوده اند که یکی از آندو را امیر مؤمنان علی علیه السلام
در منبر کوفه بر مردم قرائت فرموده و دیگری را رسول اکرم بعنوان
ودیعه و سر بعلی سپرده و او را بنوشتن آن دستور فرموده
امام علیه السلام آن را بصورت حروف مقطعه بر روش کتاب
آدم علی نبینا و آله و علیه السلام [illegible] پوست گوساله یا شتر بچه
تدوین نموده و در آن احکام گذشته و آینده مسطور بوده
کاتب چلپی (حاج خلیفه) در کشف الظنون گوید: جفر کبیر از حضرت
امیر مؤمنان بمسلمانان رسیده، و آن را بسط کبیر و باب کبیر نامیدند
و آن عبارتست از بسط دادن حروف سؤال را بر وفق ابجد و
حروف جمل کبیر که از ابجد تا ضظغ است و دارای هزار بعد
میباشد (این همان حساب ابجد کبیر است که متعارف اهل فن میباشد)

جفر صغیر را حضرت صادق علیه السلام باصحاب خود
تعلیم میفرمود و آن را باب صغیر و بسط صغیر میخواندند و در
آن از ابجد تا قرشت حروف را بسط میدادند
تکسیر کبیر آنستکه از آن جمیع اسماء و لغات استخراج میشود
تکسیر متوسط آنستکه بر مدار قافیه شمسی و قمری است و
بوسیله آن دفعهای حرفی را تحصیل و ثبت مینمایند
تکسیر صغیر
ترکیب حروفی از حکمای یونان نقل شده است
ترکیب عددی از حکما و مرتاضان هند رواج یافته است
جفر جامع و نور لامع تالیف کمال الدین ابو سالم الشیخ
محمد بن طلحه نصیبی شافعی متوفای (۶۵۲) هجری است.
آغاز: الحمد لله الذی اطلع من اجتباه الخ
و دیگر گوید: ائمه طاهرین که از اولاد حضرت صادق اند

علم جفر را پدید آمدند، و او خود از اسرار ائمه اطهار در
کتاب خویش (جفر جامع و نور لامع) آورده است
بعضی گویند: امیر مؤمنان علی علیه السلام بیست و هشت
تهجی را بر روش بسط اعظم در پوست گوساله ای مرقوم نموده
بطوریکه با شرائط مخصوص و الفاظ معینی میتوان اسرار مکنونه
در لوح قضا و قدر الهی را بوسیله آن استخراج کرد، و آن
را باولاد طاهرین خود یادگار داده است، و ایشان کسانی
را که اهل تقوی و اهل الله شناختند بدین فن شریف واقف
ساختند، رموز و نکات، زبر و بینات حروف مقطعه قرآن
مجید تا دلیل آیات فرقان حمید را بآنان آموختند.
علامه فرید وجدی در دائرة المعارف گوید: هارون بن
سعید عجلی (سر سلسله زیدیه) کتابی داشت که در آن احوالات
آینده اهل بیت رسالت بطور عموم، و احوال بعضی از ایشان بطور
خصوصی ثبت بود، و آن را از حضرت سجاد و حضرت صادق
روایت مینمود، و ادعا داشت که آن کتاب بخط حضرت امام
صادق علیه السلام بر پوست گوساله ای نوشته است، و مردم
او را از این نظر عجلی نامیدند.
فرید وجدی گوید: اگر نسبت این کتاب بحضرت صادق درست
باشد بها نا مستند برخی از پیشگوئیهای امام علیه السلام از قبیل
اخبار از خروج و کشته شدن یحیی ابن زید و بعضی امور دیگر آشکار
میگردد. میگوئیم: منحصر دانستن مستند پیشگوئیهای امام علیه السلام
را به کتاب هارون بن سعید عجلی کاشف از عدم معرفت بر
مقام امام و کمی اطلاع از احاطه روح پیشوای انام است.
در نفائس الفنون آورده که روزی ابونواس در خدمت
حضرت رضا علیه السلام این ابیات را قرائت نمود:

اذا ذکرتک العین من غیر ریبة — وعارض فیه الشک اثبتک القلب
ولو ان رکبا امموک لقادهم — نسیمک حتی یستدل به الرکب
جعلتک حسبا اباهی بک الوری — وما خاب من اضحی وانت له حسب
ولو لا احذار الله من خوف سخطه — لقلت علی الحالات انک لی رب

پس از انجام قرائت حضرت رقعه ای از جیب بیرون آورد
که همان ابیات در آن سطور بود. ابونواس در حیرت افتاده
گفت: یا بن رسول الله بجدت قسم این ابیات را من گفته‌ام
و هیچ کس تاکنون از من نشنیده است. حضرت فرمود:
راست میگوئی ولی من در جفر و جامعه دیده بودم که تو را
با این ابیات میستائی و مدح خواهی خواند.

احمد بن مصطفی معروف بطاشکبری زاده و حاج
خلیفه مشهور بکاتب چلبی در مفتاح السعاده و کشف الظنون
آورده اند که چون مامون الرشید علی بن موسی الرضا علیه السلام
را ولیعهد خویش قرار داد، نامه ای بحضرت نوشت که میخواهم
پس از من خلافت برای شما استوار باشد. حضرت در آخر
آن نامه نوشت که بر آنچه اخبار نمودی آگاه شدم، ولی جفر و جامعه
دلالت دارند که اینکار انجام نمیگیرد. و همانطور شد که حضرت بیان فرمود

شرائط طالبان: کسانی میتوانند طالب این علم شریف و
فن لطیف باشند که دارای استعداد ذاتی، شوق کافی، حسن ظاهر،
صفای باطن، پاکی طینت، صافی طویت، خلوص نیت باشند، از کارهای
زشت و گناه و کردار ناپسند و تباه، تکبر و طمع و حب جاه اجتناب نمایند
تا بتوانند از اسرار غیبی و سطورات الواح قضا و قدر الهی اطلاع یابند
و از احوال گذشته و آینده حوادث آگاه گردند. چنانکه از حضرت رسول
روایت شده که اگر کسی هنگام تعلم و تحصیل ورع و تقوی نداشته باشد
خدا تعالی او را بیکی از سه چیز گرفتار نماید: ۱- جوانمرگ شدن ۲- به
دهستان نشستن ۳- بخدمت سلطان رفتن. و نیز روایت کرده اند که
هر کس علم را برای تکبر کردن فرا گیرد بنادانی میمیرد و هر کس برای مناظره
و خودنمائی چیزی را بیاموزد گناهکار میمیرد و هر کس علم را برای گفتن حفظ
کند نه برای عمل کردن منافق خواهد مرد و هر کس علم را برای اندوختن
ثروت بیاموزد زندیق میمیرد و هر کس علم را برای عمل کردن و رضای
حق تعالی تحصیل نماید عارف و خداشناس خواهد بود و عارف بحق میمیرد

شرائط عمل و استخراج: شایسته است که طالبان این اسرار
و رموز هنگام استخراج مطالب پرهیز کنند از بسیار خوردن، زیاد خوابیدن، بیهوده گفتن، با اهل لهو و لعب مراوده داشتن، طعام و شراب حرام یا مکروه مصرف کردن، اندیشه و خیالات فاسد در دل گرفتن، و شایسته است که با طهارت بودن، در خلوت نشستن، توکل بخدا داشتن، رو بقبله بودن، صلوات بر محمد و آل رسول و ائمه اطهار فرستادن، از حقتعالی مدد خواستن، رضای حق طلبیدن را رعایت نمایند.

از وصایای ارباب فن اینست که تعلیم این اسرار بنا اهل روا نباشد زیرا ممکنست مرتکب خلاف شرع یا منافی عرف و عفت شوند، بلکه باید طالبان این فن عزیز متقی و با پرهیز باشند تا بتوانند به اسرار غیبی اطلاع یابند

اکنون بیاری پروردگار مهربان مطالبی را که از محضر دانشمند محترم و عالم مکرم جناب آقای حاج محمد نظری در توضیح طریقه جفر صدیقی نوری بیان کرده اند فراهم آورده و ضوابط الجفریه نامیده ام برشته تحریر کشیده و بمحضر سالکان طریق تقدیم میدارم

ضابطه: اساتید فن حروف سؤال را بطور سطر و مقطع نوشته عدد آنها را بواسطه حساب جمل کبیر استخراج میکنند حاصل جمع تمام اعداد سؤال را مدخل کبیر، و با اسقاط یک حرف آن از سمت راست را مدخل وسیط، و با اسقاط یک عدد دیگر از همان طرف را عدد مجموعی، و جمع اعداد مجموعی را مدخل صغیر مینامند چنانکه حروف و مدخلهای این سؤال را مشاهده مینمائید

«آیا خیر آیا تحصیل جفر برای بنده خیر است؟»

ی	ا	خ	ب	ی	ر	ا	ی	ا	ت	ح	ص	ی	
۱۰	۱	۶۰۰	۲	۱۰	۲۰۰	۱	۱۰	۱	۴۰۰	۸	۹۰	۱۰	
ل	ج	ف	ر	ح	ی	ر	ا	س	ت				انشاءالله تعالی
۳۰	۳	۸۰	۲۰۰	۸	۱۰	۲۰۰	۱	۶۰	۴۰۰				

تمام حاصل جمع اعداد سؤال (۲۷۲۷) را مدخل کبیر گویند

باسقاط یک عدد از سمت راست (۲۷۲) را مدخل وسیط نامند

باسقاط عدد دوم از سمت راست (۲۷) را عدد مجموعی خوانند

مجموع دو عدد فوق (۹=۷+۲) را مدخل صغیر دانند

ضابطه: حاصل جمع اعداد تاریخ سؤال را با یکدیگر جمع مینمائیم و بیست و هشت بیست و هشت (بروفق منازل قمر و حروف تهجی) انها را طرح میکنیم، آنگاه باقیمانده را با حروف ابجد وضع مینمائیم و حرف موافق و مطابق را بجای عدد میگذاریم مثلاً میگوئیم:

تاریخ سؤال روز جمعه سیزدهم صفرالمظفر ۱۳۹۱ است

ج	م	ع	ه	س	ی	ز	د	ه	م	ص	ف	ر
۳	۴۰	۷۰	۵	۶۰	۱۰	۷	۴	۵	۴۰	۹۰	۸۰	۲۰۰

ال	م	ظ	ف	ر	جمع اعداد حروف سؤال + ۱۳۹۱
۳۱	۴۰	۹۰۰	۸۰	۲۰۰	بحساب جمل کبیر موافق عددیست ۱۲۵۱

حاضر مشیعه (۳۲۵۶) حاصل جمع را نوبت دیگر جمع ۳۷۰

میکنیم (۱۵) حاصل مجموع و آن را از ابتدا شانزدهمین ۱۲۶

۱۱۸

حرف ابجد (ع) پس تاریخ سؤال (دع) میباشد

ضابطه: ساعت سؤال که ۹/۳۰ دقیقه صبح جمعه ۱۳ صفر مطابق بیستم برج حمل (فروردین ماه) بنجاه است و چون طلوع آفتاب در این روز پنج و پنجاه دقیقه صبح بوده بنابر این نوبت ۲/۵۸ دقیقه (۶۰ر۱۵=۲۰×۲۵۸) را از پنج و پنجاه دقیقه کسر مینمائیم، بنابراین طلوع آفتاب از برج حمل را تقریباً ساعت پنج بحساب میآوریم، پس میگوئیم: سؤال در ساعت چهارم روز واقع شده، و آن موافق حرف چهارم ابجد و صغی (د) است زیرا برج حمل را که هشتاد دقیقه است بر سی و یک روز آن تقسیم نمودیم از روی ۲/۵۸ دقیقه شد آنرا در بیست روز ضرب کردیم تقریباً ۵۲ دقیقه حاصل گردید پنجاه و دو دقیقه را از پنج ساعت و پنجاه دقیقه کسر نمودیم طلوع آفتاب از برج حمل را در ساعت پنج محسوب داشتیم و چون پنج را از ۹/۳۰ ساعت صبح کسر کردیم ساعت سؤال را چهار و سی دقیقه منظور نمودیم و آن موافق برج جوزا است

فهرست اسامی بروج دوازده گانه عربی و دقائق آنها:

۱- حمل : بره	فروردین	۳۱ روز	۸۰ دقیقه
۲ ثور : گاو	اردیبهشت	۳۱ «	۹۰ «
۳- جوزا : دو پیکر	خرداد	۳۱ «	۱۲۰ «
۴- سرطان : خرچنگ	تیرماه	۳۱ «	۱۴۰ «
۵- اسد : شیر	امرداد	۳۱ «	۱۴۰ «
۶- سنبله : خوشه	شهریور	۳۱ «	۱۵۰ «
۷- میزان : ترازو	مهرماه	۳۰ «	۱۵۰ «
۸- عقرب : کژدم	آبان	۳۰ «	۱۴۰ «
۹- قوس : کمان	آذر	۳۰ «	۱۴۰ «
۱۰- جدی : بزغاله	دی ماه	۳۰ «	۱۲۰ «
۱۱- دلو : سطل	بهمن	۳۰	۹۰ «
۱۲- حوت : ماهی	اسفندار	۲۹	۸۰ «

ضابطه: طالع سئوال را از ساعت سئوال استخراج می‌نمائیم
چنانکه در مثال بالا بگوئیم: چون ساعت سئوال شد دیدیم صبح
و موافق ساعت چهار و سی دقیقه از طلوع آفتاب بود در برج حمل
بعد ۴ر۳۰ ساعت را از جنس دقیقه کردیم ۲۷۰ دقیقه شد
و چون از اول حمل تا آخر جوزا ۲۹۰ دقیقه است و ۲۷۰
دقیقه در آن گنجانیده شد پس طالع سئوال جوزا باشد
بنابراین جوزا را با حروف ابجد جمل کبیر حساب کردیم ۱۷
حاصل شد و آن موافق است با هفدهمین حرف ابجد وضعی
(ف) و آن را بجای عدد نوشته و طالع سئوال نامیدیم

ضابطه: حروف قرآنی را باید از قرآن اقتباس نمود
باین ترتیب که چهار نوبت قرآن مجید را میگشائیم و در
هر نوبت نخستین حرف صفحه سمت راست را یادداشت میکنیم
سپس چهار حرف را با حا در نموده آنگاه آنها را با یکدیگر

جمع کرده حاصل جمع را با حروف ابجد وضعی سنجیده حرف
موافق آنرا بجای حاصل جمع بنویسیم مثلاً اعداد
(و، ف، ل، ت) را پس از رد بآحاد باهم جمع نموده
(۲۲) وحرف (ت) را که بیست و دومین حرف ابجد
وضعی است بجای عدد حاصل جمع میگذاریم
ضابطه: صفحه عبارتست از حروف حاصله از تاریخ
(ع) و ساعت سؤال (د) و طالع سؤال (ف) و حروف
قرآنی (ت) و آنها را در سه کلمه صفحه باین شکل مینگارند:
صفحه ع د ف ت تا در هنگام لزوم آنها در نظر جفار حاضر باشد
تبصره: حروف صفحه را در مستحصله و حروف حاصل را
در مستحضره نگار میبرند، بر وفق دستورات آتیه
ضابطه: حاصل صفحه سؤال را از حروف مکتوبه ای در
سه صفحه استخراج مینمایند باین ترتیب که حروف صفحه را
بآحاد رد نموده سپس باهم جمع میکنند آنگاه حاصل جمع
را با حروف ابجد وضعی سنجیده حرف موافق آن را در شکم
لام حاصل میگذارند چنانکه در مثال فوق میگوئیم: حاصل جمع
اعداد (ع، د، ف، ت) بیست و سه یا ۲۳ و آن موافق
است با حرف (ش) که بیست و سومین حرف ابجد وضعی بشمار میآید
ضابطه: اساس عبارتست از تبدیل اعداد مدخل کبیر و
مدخل وسیط و اعداد مجموعی و مدخل صغیر را بحروف ملفوظی
چنانکه گوئی: هفت برابر است با (زا) و بیست برابر است با
(کاف) و هفتصد برابر است با (ذال) و دو هزار برابر
است با (ب ا غ ی ن) و نیز دو برابر است با (ب ا)
و هفتاد برابر (ع ی ن) و دویست برابر (را) میباشد و
نیز هفت برابر (زا) و بیست برابر (ک ا ف) و همچنین عدد
نه برابر (ط ا) است بنابراین هر یک از حروف ملفوظه
حاصله را در خانه جداگانه ای قرار میدهیم تا بتوانیم نظیره

هر کدام را بترتیب در زیر آن سطور نمائیم

ضابطه: نظیره عبارت از حروفی که در زیر حروف
اساس ابجدی قرار میگیرند، برای تحصیل اساس و نظیره نصف
حروف ابجد را بترتیب در یک سطر فوقانی، و چهارده حرف
دیگر را بهمان ترتیب در سطر تحتانی مینویسیم و هر یک از حروف
بالا یا زیر را نظیره حرف فوقانی یا تحتانی خودش میشناسیم.

دائره اساس و نظیره را باین شکل میگارند:

ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن اساس

س ع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ نظیره

ضابطه: نسبت اول هر یک از اساس و نظیره عبارت از
جمع کردن عدد هر کدام از حروف اساس و نظیره را با حرف کنار خودش
بر از آنکه بآحاد رد شده باشند چنانکه در نسبت اول اساس در
سؤال مذکور گوئی: ز+ا=۸، ا+ک=۳، ا+ف=۹ و
اعداد مستخرجه از آن را در زیر حروف نخستین باید نوشت تا آنکه برسد
بحرف آخر سطر آنگاه عدد آنرا با حرف اول سطر نیز جمع
نموده در زیر حرف آخر مینویسند، و در نسبت اول نظیره آن
نیز میگوئی: ش+س=۹، س+ذ=۱۳ تا آخر سطر بهمین ترتیب

ضابطه: تتمه اول عبارت از سنجیدن اعداد نسبت اول
اساس با اعداد نسبت اول نظیره برابر اسلوب که آیا آن دو
متماثل یا متداخل یا متوافق یا متباین اند یعنی اگر متماثل باشند
یکی از آندو را در تتمه اول مینویسند، و اگر متداخل بوند مانند
۳ و ۶، ۴ و ۱۲، ۶ و ۲۴، ۵ و ۲۵ یعنی عدد کوچک نصف یا
یا ثلث یا ربع یا خمس ..... عدد بزرگتر باشد و یا عدد کوچک تواند
مقسوم علیه عدد بزرگ واقع شود مخرج مشترک آن دو را در ردیف
تتمه اول آندو مینگارند، و چنانچه آندو متوافق افتد مانند اعداد ۴ و ۶
۵ و ۱۵، ۴ و ۱۶، ۶ و ۳۶ عدد بزرگ را در تتمه اول ثبت میکنند
و هرگاه متباین باشند باید آندو را در یکدیگر ضرب کرده حاصل
ضرب را در ردیف تتمه اول ضبط نمائید چنانکه در نسبت اعداد

نسبت اول اساس و نظیره سئوال فرق گوئی : ۹ × ۸ = ۷۲

۳ × ۱۳ = ۳۹ ، ۹ و ۹ = ۹ ، ۵ و ۱۵ = ۱۵ ، ۴ × ۱۴ = ۲۸

۷ × ۱۱ = ۷۷ ، ۲ × ۱۱ = ۲۲ ، ۶ × ۷ = ۴۲ ، ۸ × ۷ = ۵۶

ضابطه: نسبت دوم اساس عبارتست از حاصل جمع اعداد
حروف اساس و نظیره پس از آنکه آحاد در دو رش باشند چنانکه
گوئی: ش + ز = ۱۰ ، س + ا = ۷ ، ذ + ك = ۹ ، ج + ف = ۱۱

ضابطه: نسبت دوم نظیره آنستکه از عدد ستون دوم نسبت
دوم اساس شروع کنند و هر عددی را یک خانه بسمت راست
جلو برند و عدد ستون نخستین را در ستون آخر نقش کنند چنانکه
در نسبت دوم نظیره سئوال مذکور گوئی: ۲ ۹ ۲ ۱۱ ۹ ۷ ۱۱

ضابطه: تمه دوم عبارتست از سنجیدن اعداد نسبت دوم
اساس با اعداد نسبت دوم نظیره و انجام عمل لازم بر وفق قاعده
نامبرده در جدول صفحه موافق اعداد و حروف مسطوره در سئوال
و جواب موجود در صفحه و خانه‌ها را اساس و نظیره

ضابطه: تمه تمتین آنستکه اعداد تمه اول و تمه دوم را
با یکدیگر بسنجیم یعنی آنها را از یکدیگر تفریق کنیم و باقیمانده را در
تمه تمتین نسبت نمائیم و اگر اندو متماثل باشند یکی از آنها را
ترسیم کنیم مانند: ۷۰ - ۷۲ = ۲ ، ۳۹ - ۶۳ = ۲۴

ضابطه: حاصل صفحه عبارتست از طرح کردن اعداد تمه
تمتین را بیست و هشت بیست و هشت یعنی اگر عدد کمتر از
بیست و هشت باشد نفس آن را در ردیف حاصل می‌نویسند
و چنانچه بیشتر از بیست و هشت باشد آن را جمع نموده مجموع را
در ردیف حاصل بنگارند چنانکه در مثال بالا گوئی:
۴۲ = ۶ ، ۸۴ = ۱۲ ، ۴۴ = ۸ ، ۶۸ = ۱۴ ، ۴۹ = ۱۳ ، ۰

ضابطه: دور آنستکه اعداد ردیف حاصل را تبدیل کنند
بحروف ابجد وضعی چنانکه گوئی: ۲ = ب ، ۱۲ = ل ، ۲۰ = ر
۲۴ = خ ، ۱۴ = ن ، ۱۱ = ك ، ۲۲ = ت ، ۲۸ = غ .

ضابطه: در تحصیل تراکنت باید حروف دور را از ابجد

وضعی پیدا کنیم. آنگاه حروف دور را از حرف اول اساس
که بر فراز آن مسطور است در حروف ابجد وضعی بتوالی و
عدم توالی (شرقی و غربی) میشماریم چنانچه قوا حاصل شد
نهو المطلوب وگرنه همین عمل را بوسیله حرف دوم اساس انجام
میدهیم اگر آنهم نرسید از حرف اول نظیره و سپس از آن از
حرف دوم نظیره بهمان طریق میشماریم، هرگاه شمارش هیچ
یک از چهار حرف نامبرده بقوا نرسد هر یک از حرف اول یا
دوم اساس و یا حرف اول یا دوم نظیره را بترتیب در
ابجد وضعی چهار چهار (بعدد عناصر) یا شش شش (بعدد جهات)
یا هفت هفت (بعدد کواکب سیار) یا نه نه (بعدد افلاک) بتوالی
یا عدم توالی میشماریم تا آنکه قوا حاصل شود
تبصره: از حرف الف نقوی حرف مورد نظر قوا حاصل نشود
تنبیه: برای شناختن قوای حروف و ترفع و ترقی و
تنزل آنها بجدول قوا و ضابطه استخراج باید بنگرید.

جدول قوای حروف، درقی، ترفع، تنزل مساوات آنها

ی / غ ا ب / ق	ف / ز ح ط / ض	خ / ن س ع / و	د / ش ت ث / م
ک / ا ب ج / ر	ص / ح ط ی / ظ	ذ / س ع ف / ز	ه / ت ث خ / ن
ل / ب ج د / ش	ق / ط ی ک / غ	ض / ع ف ص / ح	و / ث خ ذ / س
م / ج د ه / ت	ر / ی ک ل / ب	ظ / ف ص ق / ط	ز / خ ذ ض / ع
ن / د ه و / ث	ش / ک ل م / ج	غ / ص ق ر / ی	ح / ذ ض ظ / ف
س / ه و ز / خ	ت / ل م ن / د	ب / ق ر ش / ک	ط / ض ظ غ / ص
ع / و ز ح / ذ	ث / م ن س / ه	ج / ر ش ت / ل	ی / ظ غ ا / و

ضابطه: در استخراج مستحصله باید هر یک از حروف قوا را بترتیب با حروف نظیره و اساسی که بر فراز آن مکتوب است بآحاد رد نموده سپس عدد آن سه حرف را با عدد حاصل سئوال جمع کنیم، آنگاه بیست هشت بیست هشت طرح کرده حرف موافق عدد باقیمانده را مستحصله شمرده و در ردیف آن بنگاریم چنانکه در مثال فوق گوئیم:

مستحصله		حاصل		اساس		نظیره		دود
ف	=	ث	+	ز	+	س	+	ب
ف	=	ث	+	ا	+	س	+	خ
ص	=	ث	+	ف	+	ج	+	ل

یعنی در تمام مراتب میگوئیم: قوا + نظیره + اساس + حاصل سئوال = مستحصله

ضابطه: در تحصیل مستحصله باید از سمت راست صفحه شروع کرده هر یک از حروف مستحصله را با حروف صفحه مورد سنجش قرار داده چنانچه هم طبع آن را از دائره انسبی یافتیم فهو المراد و گرنه از دائره اهطمی و یا اجهزی هم طبع آن را تحصیل نموده و ابعاد ثلاثه (جدول، ابجدی، اهطمی) و یا بعد طالب و مطلوب آغاز مینمائیم، چنانکه در مثال مذکور گوئیم:

دوائر انقلابات حروف :

۱- دائره ابتثی یا دائره طالب ومطلوب :

ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص

ض ط ظ ع غ ف ق ک ل م ن و ه ی

۲- دائره ابجدی وضعی :

ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن

س ع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ

۳- دائره ایقغی بسورش :

ا ی ق غ ب ک ر ج ل ش د م ت ه

ن ث و س خ ز ع ذ ح ف ض ط ص ظ

أ(۱) ب(۲) ج(۳) د(۴) ه(۵) و(۶) ز(۷) ح(۸) ط(۹) (حالت منفصل)

ی ک ل م ن س ع ف ص

ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ)

غ ایقغ(۱) بکر(۲) جلش(۳) دمت(۴) هنث(۵)

۱۹ وسخ(۶) زعذ(۷) حفض(۸) طصظ(۹) (حالت دوم)

۴- دائره اعظمی عنصری :

ا ه ط م ف ش ذ آتشی
ب و ی ن ص ت ض بادی
ج ز ک س ق ث ظ آبی
د ح ل ع ر خ غ خاکی

۵- دائره ابجدی و دائره طالب و مطلوب :

ا ج ه ز ط ک م س ف ق ش ث
ب د و ح ی ل ن ع ص ر ت خ
ذ ظ
ض غ این دائره را برای ترقی و تنزل و ترفع نیز بکار میبرند

۶- دائره اجذشی بروایت مشهور :

ا ج ذ ش ظ ق ن ب ح ر ص ع ک و
ت خ ز ض غ ل ه ث س ط ف م ی

۷- دائره ارغی :

ا ر غ ی ب ز ف ت س ق ث ش ک ج
ص ل ح ض م خ ط ن د ظ و ذ ع ه

۸- دائره انسغی و ابعاد :

دائره انسغی

حروف ترفع عبارتند از : بدوح یلن
ب د و ح ی ل ن

حروف ترقی عبارتند از : عصرت خضغ
ع ص ر ت خ ض غ

حروف تنزل عبارتند از : سفقش ثذظ
س ف ق ش ث ذ ظ

حروف مساوات عبارتند از : اجهز طکم
ا ج ه ز ط ک م

۲۰







هوای جهان را صفائی ندیدیم　　جهان وفا را هوائی ندیدیم ۱۸

بهم آباد ایام را گر نمودم　　به کنج عزلت سرائی ندیدیم

بپایان رساندم شب عمر هرگز　　ز شمع امانی ضیائی ندیدیم

طلبکار و خواهان روز وصالم　　که از شام هجران سنائی ندیدیم

نظر بر گلستان گردون فکندم　　در آن رنگ و بوی و صفائی ندیدیم

به لشگرگه شام انجم رسیدیم　　سراپرده دلگشائی ندیدیم

بجائی که ممکن نبود هم رفتم　　نشان امانت بجائی ندیدیم

ز یاران بسی درد هجران کشیدیم　　که هرگز مر آن را دوائی ندیدیم

به بیماری مرگ خرسند گشتم　　چو در هیچ شربت شفائی ندیدیم

بسی بر بساط بزرگان نشستم　　که یک تن حاجت روائی ندیدیم

چو در روزنامه اقبال دوران　　متاع سخن را بهائی ندیدیم

نفس در کشیدیم غم دل نهفتم　　چه از راز گفتن سزائی ندیدیم

در از غیر بستم بعزلت نشستم　　که از خودپرستان وفائی ندیدیم

تو ای زاهدی کز غریبی بنالی　　که نالیدنت را جزائی ندیدیم

اگر میت زن باشد دعائی که بعد از تکبیر چهارم
میگوید خاطر بگیر بمیت برمیگردد مونث بیاورد
باین ترتیب بگوید اللهم ان هذه المسماة
قد امنا امتك وابنة عبدك وابنة
امتك نزلت بك وانت خير منزول
به اللهم انك قبضت روحها اليك
وقد احتاجت الى رحمتك اللهم انا
لا نعلم منها الا خيرا وانت اعلم
بها منا اللهم ان كانت محسنة فزد
في احسانها وان كانت مسيئة فتجاوز
عن سيئاتها واغفر لنا ولها

اللهم احشرها مع من تتولاه وتحبه وابعدها
ممن تتبرء وتبغضه اللهم الحقها بنبيك
وعرف بينها وبينه وارحمنا اذا توفيتنا يا اله
العالمين اللهم اكتبها عندك في اعلى عليين
واخلف على عقبها في الغابرين وارحمنا واياها
برحمتك يا ارحم الراحمين بكبر پنجم را بگوید ونماز
فارغ شود مستحب

وترحمت على ابراهيم وآل ابراهيم انك
حميد مجيد وصل على جميع الانبياء والمر
سلين بعد از تكبير سيم بگويد اللهم اغفر للمؤ
منين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات
الاحياء منهم والاموات تابع اللهم بيننا
وبينهم بالخيرات انك على كل شيء قدير
و بعد از تكبير چهارم بگويد اللهم ان هذا المسجى
قدامنا عبدك وابن عبدك وابن
امتك نزل بك وانت خير منزول به
اللهم انك قبضت روحه اليك

وتك محتاج الى رحمتك وانت غني عن
عذابه اللهم لا نعلم منه الا خيرا
وانت اعلم به منا اللهم ان كان
محسنا فزد في احسانه وان كان
مسيئا فتجاوز عن سيآته واغفر لنا
وله اللهم احشره مع من يتولاه و
يحبه وابعده ممن يتبرء ويبغضه
اللهم الحقه بنبيك وعرف بينه وبينه
وارحمنا اذا توفيتنا يا اله العالمين اللهم اكتبه
عندك في اعلى عليين واخلف على عقبه في الغابرين
واجعله من رفقاء محمد واله الطاهرين وارحمه وايانا
برحمتك يا ارحم الراحمين

بعد از تكبير پنجم بگويد ربنا اتنا في الدنيا حسنة وفي الاخرة حسنة وقنا عذاب النار

عِنْدَ نِعْمَتِي وَيَا مُنْجِيَّ فِي حَاجَتِي وَيَا مُنْقِذِي
مِنْ هَلَكَتِي وَيَا كَالِئِي فِي وَحْدَتِي صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي
وَاجْمَعْ لِي شَمْلِي وَأَنْجِحْ لِي طَلِبَتِي وَأَصْلِحْ لِي
شَأْنِي وَاكْفِنِي مَا أَهَمَّنِي وَاجْعَلْ لِي مِنْ
أَمْرِي فَرَجًا وَمَخْرَجًا وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَ
الْعَافِيَةِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي وَعِنْدَ وَفَاتِي إِذَا
تَوَفَّيْتَنِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ أَجْمَعِينَ وَعِتْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ
الْمَعْصُومِينَ

نماز میت ۵ تکبیر بگوید بعد از تکبیر اول بگوید
أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ
إِلٰهًا وَاحِدًا أَحَدًا صَمَدًا فَرْدًا حَيًّا قَيُّومًا دَائِمًا
أَبَدًا لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا
وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ
أَرْسَلَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى
الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ بعد از تکبیر ۲
بگوید اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ
أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ وَبَارَكْتَ

اللهم إني أسألك بحق هذا الدعاء أن تتفضل
على فقراء المؤمنين والمؤمنات بالغنى والثر
وة وعلى مرضى المؤمنين والمؤمنات باللطف
والكرامة وعلى أموات المؤمنين والمؤمنا
ت بالمغفرة والرحمة وعلى غرباء المؤمنين والمؤ
منات بالرد إلى أوطانهم سالمين غانمين
برحمتك يا أرحم الراحمين بحق محمد وآله
الطاهرين وعترته الطيبين يا عدتي عند
كربتي ويا غياثي عند شدتي ويا وليي

بالشفاء والصحة وعلى أحياء المؤمنين والمؤمنات

أعدائي واغفر لي ذنوبي ما تقدم منها وما تأخر
ولوالديّ ولجميع المؤمنين والمؤمنات ووسّع
عليّ من حلال رزقك واكفني مؤنة إنسان
سوء وجار سوء وقرين سوء وسلطان
سوء ويوم سوء وساعة سوء وانتقم لي
ممن يكيدني ويبغي عليّ ويريدني وبا
هلي وأولادي وإخواني وجيراني وقراباتي
من المؤمنين والمؤمنات ظلماً إنك على ما
تشاء قدير وبكل شيء عليم آمين رب العا
لمين

ولا نعلم ظاهرها ولا نعلم باطنها غيرك
صلّ على محمّدٍ وآل محمّدٍ وافعل بي ما انت اهله
ولا تفعل بي ما انا اهله واغفر لي ذنوبي ما تقدّم
منها وما تأخر ووسّع عليّ من حلال رزقك
واكفني مؤونة انسان سوءٍ وجار سوءٍ
وقوم سوءٍ وقرين سوءٍ وسلطان سوءٍ
انك على كلّ شيءٍ قديرٌ وبكلّ شيءٍ خبيرٌ
عليمٌ آمين يا ربّ العالمين وصلّى الله
على محمّدٍ وآله الطاهرين   پس بگوید
اللّهم بحرمة هذا الدعاء وبما فات منه

من الاسماء وبما يشتمل عليه من التفسير والتدبير
الذي لا يحيط به الا انت ان تفعل بي كذا وكذا
بجای کذا وکذا حاجات خود ذکر نماید وبکر الهي بحقّ هذه الا
سماء التي لا نعلم تفسيرها ولا تأويلها ولا
ظاهرها ولا باطنها غيرك ان تصلّي على
محمّدٍ وآل محمّدٍ وان ترزقني خير الدنيا
والآخرة وافعل بي كذا وكذا بجای حاجات خود ذکر کند
وبکر وافعل بي ما انت اهله ولا تفعل ما انا
اهله وانتقم لي من اعداء آل محمّدٍ ومن جميع

٨٦

وَرَسُولَكَ مُوسَى ابْنِ عِمْرانَ عَلَيْهِ السَّلامُ بِطاعَتِكَ في ساعِيرَ

وَظُهُورِكَ في جَبَلِ فارانَ بِرَبَواتِ الْمُقَدَّسينَ وَجُنُودِ

الْمَلائِكَةِ الْمُسَبِّحينَ وَبِبَرَكاتِكَ الَّتي بارَكْتَ فيها عَلى اِبْرا

هيمَ خَليلِكَ عَلَيْهِ السَّلامُ في اُمَّةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

وَبارَكْتَ لِاِسْحٰقَ صَفِيِّكَ في اُمَّةِ عيسى عَلَيْهِمَا السَّلامُ

وَبارَكْتَ لِيَعْقُوبَ اِسْرائيلِكَ في اُمَّةِ مُوسى عَلَيْهِ

السَّلامُ وَبارَكْتَ لِحَبيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ في عِتْرَتِهِ

وَذُرِّيَّتِهِ وَاُمَّتِهِ اَللّٰهُمَّ وَكَما غِبْنا عَنْ ذٰلِكَ

وَلَمْ نَشْهَدْهُ وَآمَنّا بِهِ وَلَمْ نَرَهُ صِدْقاً

وَعَدْلاً نَسْئَلُكَ اَللّٰهُمَّ اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ

مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُبارِكَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَرَحَّمَ

عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَاَفْضَلِ ما صَلَّيْتَ وَبارَكْتَ

وَرَحِمْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلى اِبْراهيمَ وَآلِ اِبْراهيمَ

اِنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ فَعّالٌ لِما تُريدُ وَاَنْتَ عَلى

كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ شَهيدٌ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ

اِلّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ در مصباح شيخ روايت شده

که دشمن را [illegible]

يا اَللّٰهُ يا حَنّانُ يا مَنّانُ يا دَيّانُ يا بَديعَ السَّمٰواتِ

وَالْاَرْضِ يا ذَا الْجَلالِ وَالْاِكْرامِ يا حَيُّ يا قَيُّومُ

يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ پس بگويد اَللّٰهُمَّ اِنّي

اَسْئَلُكَ بِحَقِّ هٰذَا الدُّعاءِ وَبِحَقِّ هٰذِهِ الْاَ

سْماءِ الَّتي لا نَعْلَمُ تَفْسيرَها وَلا نَعْلَمُ تَاْويلَها

السموات والارض واهل الدنيا والآخرة و
برحمتك التي مننت بها على جميع خلقك و
باستطاعتك التي اقمت بها العالمين و
بنورك الذي تخر من فزعه طور سيناء و
بعلمك وجلالك وكبريائك وعزتك و
جبروتك التي لم تستقلها الارض وانخفضت
لها السموات وانزجر لها العمق الاكبر و
ركدت لها البحار والانهار وخضعت
لها الجبال وسكنت لها الارض بمناكبها و
استسلمت لها الخلائق كلها وخفقت لها
الرياح في جريانها وخمدت لها النيران
في اوطانها وبسلطانك الذي عرفت به
الغلبة دهر الدهور وحمدت به في السموات
والارضين وبكلمتك كلمة الصدق التي
سبقت لابينا آدم وذريته بالرحمة
واسئلك بكلمتك التي غلبت كل شيء
وبنور وجهك الذي تجليت به للجبل فجعلته
دكا وخر موسى صعقا وبمجدك الذي
ظهر على طور سيناء فكلمت به عبدك

العجائب في بحر سوف وعقدت ماء البحر في قلب
الغمر كالحجارة وجاوزت ببني اسرائيل
البحر وتمت كلمتك الحسنى عليهم بما صبروا
واورثتهم مشارق الارض ومغاربها التي
باركت فيها للعالمين واغرقت فرعون
وجنوده ومراكبه في اليم وباسمك العظيم
الاعظم الاعز الاجل الاكرم وبمجدك الذي تجليت
به لموسى كليمك عليه السلام في طور سيناء
ولابراهيم خليلك عليه السلام من قبل في مسجد
الخيف ولاسحق صفيك عليه السلام في بئر

شيع وليعقوب نبيك عليه السلام في بيت ايل
واوفيت لابراهيم عليه السلام بميثاقك
ولاسحق عليه السلام بحلفك وليعقوب عليه
السلام بشهادتك وللمؤمنين بوعدك وللدا
عين باسمائك فاجبت وبمجدك الذي ظهر
لموسى ابن عمران عليه السلام في قبة الرمان
وباياتك التي وقعت على ارض مصر بمجد العزة
والغلبة بايات عزيزة وبسلطان القوة
وبعزة القدرة وبشان الكلمة التامة
وبكلماتك التي تفضلت بها على اهل

صنعت بها العجائب وخلقت بها الظلمة وجعلتها
ليلاً وجعلت الليل سكناً وخلقت بها النور و
جعلته نهاراً وجعلت النهار نشوراً مبصراً وخلقت
بها الشمس وجعلت الشمس ضياءً وخلقت بها القمر
وجعلت بها القمر نوراً وخلقت بها الكواكب و جعلتها
نجوماً وبروجاً ومصابيح وزينة ورجوماً للشياطين
وجعلت لها مشارق ومغارب وجعلت لها مطالع
ومجاري وجعلت لها فلكاً ومسابح وقدرتها
في السماء منازل فاحسنت تقديرها واحصيتها
باسمائك احصاءً ودبرتها بحكمتك تدبيراً
واحسنت تدبيرها وسخرتها بسلطان الليل

وسلطان النهار والساعات وعدد السنين
والحساب وجعلت رؤيتها لجميع الناس مرءً واحداً
واسئلك اللهم بمجدك الذي كلمت به عبدك
ورسولك موسى ابن عمران عليه السلام في المقدسين
فوق احساس الكروبيين فوق غمائم النور فوق
تابوت الشهادة في عمود النار وفي طور سيناء
وفي جبل حوريث في الواد المقدس في البقعة المباركة
من جانب الطور الايمن من الشجرة وفي ارض مصر
بتسع آيات بينات ويوم فرقت لبني اسرائيل
البحر وفي المنبجسات التي صنعت بها

دعاء اعتصام ساركر سمات

بسم الله الرحمن الرحيم

سبحانك لا اله الا انت يا حنان يا منان يا بديع
السموات والارض يا ذا الجلال والاكرام اللهم
انت الاول فليس قبلك شيء وانت الاخر
فليس بعدك شيء وانت الظاهر فليس فو
قك شيء وانت الباطن فليس دونك
شيء وانت الله العزيز الرحيم سبحانك يا
لا اله الا انت يا حنان يا منان يا بديع
السموات والارض يا ذا الجلال والاكرام

دعاء جليل القدر سمات

بسم الله الرحمن الرحيم اللهم اني اسئلك باسمك
العظيم الاعظم الاعظم الاعز الاجل الاكرم الذي اذا دعيت به
على مغالق ابواب السماء للفتح بالرحمة انفتحت واذا دعيت به
على مضائق ابواب الارض للفرج بالرحمة انفرجت واذا دعيت به
على العسر لليسر تيسرت واذا دعيت به على الاموات للنشور
انتشرت واذا دعيت به على كشف الباساء والضراء
انكشفت وبجلال وجهك الكريم اكرم الوجوه الذي عنت
له الوجوه وخضعت له الرقاب وخشعت له الاصوات
ووجلت له القلوب من مخافتك وبقوتك التي تمسك
بها السماء ان تقع على الارض الا باذنك وتمسك السموات
والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسكهما من احد
من بعده وبمشيتك التي دان لها العالمون وبكلماتك
التي خلقت بها السموات والارض وبحكمتك التي

۸۱

مروی است از ائمه طاهرین علیهم السلام هر کس این دعا را در هر روز جمعه هفتاد مرتبه بخواند بگذرد
از برای او سه جمعه که خدا تعالی او را از فضل خود غنی گرداند از جائی که گمان
نداشته باشد بسم الله الرحمن الرحیم یا مجید یا حمید یا غفور یا ودود اغننی بحلالک
عن حرامک واکفنی بطاعتک عن معصیتک و بفضلک عمن سواک برحمتک یا ارحم الراحمین
ایضاً جهت غنا و توانگری در شب جمعه دو رکعت نماز بگذارد در هر رکعت
سوره الحمد یکبار و سوره الم نشرح هفت بار روایت عند خزائن رحمت ربک العزیز
الوهاب تا اذا الاسباب [illegible] بار بخواند چون سلام دهد هزار بار یا وهاب بگوید
حقتعالی گنج از گنجهای رحمت خود و خزانه از خزائن فضل خود عطا فرماید غنی گرداند انشاءالله

اگر خواهید دزد را در خواب معاینه ببینید این نقش را بنویسید در زیر بالین
٢ ✲ عا صلوا الح ح بر ح ح ح عجه ١١١١ ا ١١١
[box] به ترتیب نوشته بلانقص زیاده ننویسید تحریر ۲ شهر ... ۱۳۴۳

بسم الله تعالی شانه العزیز تولد نور چشمی زهرا ۱۲م شهر ربیع الاول سنه هزار و سیصد و بیست و هشت ۱۳۲۸

تولد نور چشمی علی [illegible] بیستم شهر ربیع الاول سنه هزار و سیصد و بیست و هشت ۱۳۲۸

تاریخ تولد نور چشمی صدیقه بیست ... شهر ربیع الاول سنه هزار و سیصد و سی ۱۳۳۰

تولد نور چشمی عبدالحق یوم جمعه ششم شهر شوال المکرم سنه هزار و سیصد و سی و دو ۱۳۳۲
در شهر [illegible] سنه ۱۳۳۳ فوت کرد

تولد نور چشمی [illegible] یوم الترویه هشتم شهر ذیحجه الحرام سنه هزار و سیصد و سی و پنج ۱۳۳۵

تولد نور چشمی [illegible] شهر ربیع الاول سنه هزار و سیصد و سی و نه ۱۳۳۹
در شهر جمادی الثانی سنه ۱۳۴۰ فوت کرد

تولد نور چشمی [illegible] یوم پنجشنبه هجدهم ۱۸ شهر شعبان المعظم سنه ۱۳۴۱ هجری
مطابق [illegible] حمل [illegible] شمسی سنه ۱۳۰۱ و مسقط الراس در قریه
[illegible] اسکندر [illegible] روز بر آمد
تولد نور چشمی [illegible] یوم پنجشنبه [illegible] ربیع الاول سنه ۱۳۴۳ مطابق [illegible] شمسی ۱۳۰۳

ملک [illegible] مرحومه علیا مخدره صبیه مرحوم خلد آشیان حاجی محمد رضا تاجر [illegible]
[illegible] با یکدیگر در هر [illegible] که [illegible] سال که خاسته باشند مصرف [illegible] موقوف
علیهم [illegible] وقوع ذالک [illegible] دوم شهر ذیقعده الحرام سنه هزار و سیصد و سی و هفت ۱۳۳۷

فوت والده [illegible] مرحوم [illegible] یوم [illegible] سیزدهم شهر ذیقعده الحرام ۱۳۳۷ سنه

فوت والد حاجی [illegible] کفعمی ابن المرحوم حاجی [illegible] لیله [illegible] شنبه چهاردهم شهر ذیقعده الحرام ۱۳۳۷ سنه

بسم الله الرحمن الرحیم تولد نورچشمی کفعمی یوم پنجشنبه هجدهم شهر شعبان المعظم ۱۳۴۱

که مطابق [illegible] سیزدهم حمل [illegible] شمسی سنه ۱۳۰۱ [illegible]

ورقه هویت داعی نمره ۲ ۷۰ تاریخ ۵ حمل هزار و دویست و شصت شمسی ۱۲۶۰

ورقه هویت والده کفعمی نمره ۳ ۷۰ تاریخ ۷ ثور هزار و دویست و شصت [illegible] ۱۲۶۲

ورقه هویت زهرا نمره ۷۰۸ تاریخ ۲ سنبله هزار و دویست هشتاد و هشت شمسی ۱۲۸۸

ورقه هویت صدیقه نمره ۷۰۷ تاریخ ۱۷ اسد هزار و دویست نود شمسی ۱۲۹۰

ورقه هویت بتول نمره ۶ ۷۰ تاریخ ۱۴ سرطان هزار و دویست نود و شش شمسی ۱۲۹۶

ورقه هویت کفعمی نمره ۷۰۵ تاریخ ۱۲ تیرماه هزار و سیصد و چهار شمسی ۱۳۰۴

ورقه هویت عذرا نمره ۶ ۷۰ تاریخ ۱۰ جوزا هزار و سیصد و شش شمسی ۱۳۰۶

ولادت [illegible] بروز [illegible] قریه [illegible] امضای [illegible]

سنه ۱۳۰۷ شمسی [illegible]

حدیث قال رسول الله لعلی اذا کنت عند الفزع والوحشة فقل بسم الله لا اله
الا انت یا حی یا قیوم اعوذ برب الفلق من شر ما خلق ثم تقول نعم
[illegible] وت [illegible]
حدیث عن [illegible] قال اذا اردت ان تدعو باسم الله الاعظم فاقرء
اول الحدید ستة آیات و آخر الحشر هو الله الذی لا اله الا هو فاذا فرغت
[illegible] [illegible] علی [illegible]
فائده [illegible] الشیخ [illegible] اراد ان [illegible] وصلی رکعتین
وقرء فی کل رکعة الحمد مرة و سبع مرات عسی الله ان یجعل بینکم و بین الذین
عادیتم منهم مودة والله قدیر والله غفور رحیم فاذا سلم یقول [illegible]
مرة اللهم [illegible] الحدید [illegible]
اللهم [illegible] و شداید [illegible] دیده شده [illegible]
بسم الله الرحمن الرحیم آمنت بالله العلی العظیم و توکلت علی الحی القیوم [illegible]
استغثت یا ارحم الراحمین [illegible] شیخ شهاب الدین [illegible] ۷ [illegible]
[illegible] لا اله الا الله [illegible] لا اله الا الله الحق
حقا [illegible] لا اله الا الله [illegible] برحمتک [illegible]
۱۳۴۱

٣٧

موقوف بعرض اجل عالی میرساند انشاء الله وجود فیض آمود مبارک در منتهای مراتب استقامت و اعتدال است

همواره بر مسند عزت و اقبال برقرار بوده و خواهد بود و ظل ظلیل [illegible] عالی مستدام باد

ضمناً اینکه [illegible] عرض [illegible] میرسانند که خاطر عاطر مبارک [illegible] واقف [illegible]

[illegible] علما [illegible] و مواظف [illegible] عالی [illegible] و مبلغ [illegible] دعاگویان

رعایت [illegible] حضرت اجل عالی [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] عنایت [illegible] مرتبه

[illegible] مبلغ [illegible] و التماس [illegible] و بزرگوار [illegible]

ارسال حضور موفور السرور [illegible] دعاگوی [illegible] جواب [illegible] و منتظر [illegible]

مبارک در منتهای [illegible] مدارج استقامت و عزت و اجلال و شوکت بدوام [illegible] حکام ذوی الاحتشام

[illegible] دعاگویان [illegible] تحقیق و صیغه شرعی [illegible] حضرت اجل اکرم [illegible]

مطابق [illegible] تحقیق [illegible] مرحمت [illegible] رعایت [illegible]

در سنه [illegible] جواب [illegible]

[illegible] اجل عالی [illegible] تحقیق [illegible]

و [illegible] اجل عالی [illegible] دعاگویان [illegible] تحقیق [illegible]

[illegible] استقامت [illegible]

[illegible] معارج [illegible] مبلغ تحقیق [illegible] دعاگویان از حکام ذوی الاحتشام [illegible]

[illegible] اجل عالی [illegible] دعاگویان

[illegible] مرحمت [illegible] مرقوم [illegible]

[illegible] مبلغ [illegible]

[illegible] تحقیق [illegible]

صورت وقفنامه مرحوم حاجی محمد حسین بزرگ الحمد لله الواقف علی الضمائر والمطلع علی السرائر

وصلی الله علی محمد المبعوث علی الصغائر والکبائر اما بعد غرض از تنمیق [illegible] ربانی [illegible]

[illegible] الاعیان والتجار آقا حاجی محمد حسین خلف مرحوم مغفور حاجی احمد

بزرگ الاصل گردید حسبة لله و طلباً لمرضاته وقف مؤبد و حبس مخلد شرعی دائمی نمود

و منجز نمود [illegible] از [illegible] عمارت [illegible] از [illegible]

[illegible] قریه [illegible] اراضی [illegible]

[illegible] شرعاً و عرفاً [illegible]

[illegible] حضرت ابا عبدالله الحسین روحی و ارواح

العالمین له الفداء [illegible] مادام الحیوة [illegible] قرار داد و بعد [illegible] اولاد ذکور [illegible]

بعد نسل و بطناً بعد بطن [illegible] اولاد ذکور [illegible] اولاد اناث [illegible] نسل [illegible]

[illegible] حاجی عبدالجواد [illegible] حاجی محمد رضا [illegible] اولاد [illegible]

بعد از انقراض اولاد [illegible] اولاد [illegible] واقف [illegible] نسل [illegible]

[illegible] انقراض [illegible] متولی [illegible] طبقه [illegible]

[illegible] التولیه [illegible]

[illegible] موقوفه [illegible] سید الشهداء [illegible]

[illegible] وقف [illegible] شرعیاً [illegible] واقف

ذوقی تصنیف

شرف یوصل نوکیمه از قبل کسمه عالی مرساند امید درست از حضرت تعالی همراه برادر دیار
عزت و اجلال و شوکت و اقبال بیفزاید و پیوسته در ظل عنایت حضرت اله برسند
جاه پاینده باد و برقرار پس از اراسم دعاگوئی بوصل بنده کمان میرساند که احمد در کمالات
سلیم حکام والامقام خوبست مسلم ذکات تصنیف تالیف برعاکی لطف بهم کرده
بسته ماخذ جمع الستر را تصنیف برعاکی عظیمه و مرحمت و مهر و محبت بیشتر متحقق و
مطلعه که این تصنیف بعد از این بدعاگوی عطیه منبه و امید بواز مضرت الاقبال میند به نوره مرحله
مقدم و جمله به که دستخط ارسال گرده اند از جمله دار ما بیند لدر مرصد عنایت متمنیست از قول
ملوکانه دستخط از ما بیند که ذکات تصنیف بهم رساند بدعاکی لطف و عنایه زیاد
صورت دیگر شرف یوصل عالی رسانه الله همراه و جمعیت تام او با بزرگی و شوکت و سلامتی مزاج
دایم و برقرار باد از انجا بیکه خاطر عاطر مبارک بر ترویج مروجین شریعت طاهره و تتبع و تهیج جمیع
ملت باهره بوده و میباشد بنا بر محض رحمت منیه که این دعاگوی در مدرسه مشغول تحصیل و
مبانی اصل حرص دعاگوئی این امیدوار در باره بنده کمان معتمد عالی مرحوص و ارادت و
حقیقت اتمی است و مخصوص محبت این موهبت عظمی همیشه کمال شکر دارم
بزبان دل ذکر شکر میکنم اعهد از اصلها دعیه اجابت اثر و همدان شکر این کمتر بن منعم علیه ... شکر الله
غالبا عالم اند مقام شکر دارم و جزا میگ در قرینه قول الله استیم منتج ده انان ارباب حقیقت الملک حکام ذو الاحتشام همیشه برکرده
تصنیف جمیع ادنی که بدون رعایت سابق در سنه ماضیه منظور داشتند و رسانیدند و الحال ... بعض از
تصدیع جمیع جهت عوارض و اعراض دنیویه در مقام تربیت و جزا بیکار این تصنیف معمولی برآمدند
ممنوع از رحمت و مردود از عنایت نشده خواهش داشته عالی که تصنیفه که فرموده ... نمایند که این
وجه جزای رعایت نمایند تا همیشه بر رسم درویش سلف دعاگو باشیم شرح صاحب سلطان ... استم



